

بخش خدمات در اتحاد شوروی : مسائل و پروژه‌های اصلاحی*

مترجم : مسعود محمدی

خدماتی که خانوارهای شوروی از آنها بهره می‌گیرند ، در سطح بسیار نازلی قرار دارد . این واقعیتی است که اقتصاددانان مدتهاست به آن معترف هستند و مسئولان سیاسی ، ایشان را مسئول آن می‌دانند و مصرف‌کنندگان شوروی ، از آن زبان برده‌اند . مستقل از نوع خدمت مورد نظر مصرف‌کننده ، تعمیر اتومبیل یا تلویزیون ، شستشوی لباس ، رنگ کردن آپارتمان ، پیدا کردن هتلی در شهری بر مسیر مسافرتی طولانی ، مشکلات و تلخکامیها هم با آنها آغاز می‌شود . بنابراین مصرف‌کننده شوروی یا باید راه زندگی اسپارته‌ها را پیشه کند یا ترفندی بیابد.

بخش خدمات برای خانوارها که طی سالها در سایه سایر اولویتها قرار داشته است ، به علت تمرکز انحصاری سیاست بر تولید فراورده‌های مصرفی (سیاستی که مورد حمایت کاسیگین و برژنف بود) ، بخشی متروک به نظر می‌آید . در واقع ، ایدئولوژی مسلط ، خدمات غیرمولد فراورده‌های مادی را ، در رده دوم اهمیت قرار می‌داده است . هنگامی که در آغاز سالهای دهه ۸۰ ، عدم تعادل بین جریان پولی و غیرپولی به‌طور رسمی غیرقابل دفاع اعلام شد ، توسعه خدمات به‌رغم آیین (دکترین) ، در سطح هم ارز تولید فراورده‌های مادی برای مصرف جمعیت قرار گرفت . این سمت‌گیری بخشی از خط سیاسی گورباچف گشت و به این عنوان حتی تحکیم شد . به این ترتیب خدمات برای خانوارها از این پس در رده‌های اول اهمیت سیاستی که "تجهیز عامل انسانی" نام گرفته ، قرار می‌گیرد . سیاستی که هنوز در جستجوی فتح پایه‌های اجتماعی است و همین به‌روزی است که کامیابی این پروژه عظیم اقتصادی و اجتماعی را که پرسترویکا ارائه می‌دهد ، سرانجام تعیین خواهد کرد : ضروری است که همراه با ترغیب کارگران به‌کوشش تولیدی بیشتر ، امکانات هزینه کردن دسترنج آنها در مدارهای رسمی گردش کالا در اختیارشان قرار گیرد .

در بدو امر خواهیم کوشید نشان دهیم که صنعت "غیرمولد" ، بخش خدمات برای خانوارها را در چه وضعیت پیچیده‌ای قرار داده است ، تا آنجا که امروزه رسماً "اعتراف می‌شود که پایبندی به

* Marie-Agnés Crosnier, "Le Secteur Des Services En URSS: Problèmes Et Projets De Réforme". Problemes Economiques, No 2. 085, (27 Juillet 1988), 2-10.

جزم اندیشی می‌توانسته معایر بنیاد سیاسی بوده باشد. پس از آن خواهیم دید که خدمات بینگامها و سازمانهای اقتصاد رسمی که قربانیان این جزم اندیشی اند و از سوء تغذیه در زمینه منابع مادی و انسانی متأثر هستند، اغلب اوقات، هنگامی مصرف می‌شوند (البته از سرناچاری) که شبکه مواری ارائه آن خدمات وجود نداشته یا درآمد خانوارها امکان دسترسی ایشان را به این شبکه فراهم نسازد. سرانجام برنامه‌های توسعه خدمات را تا اتمق سال ۲۰۰۰ ارائه خواهیم داد. از حال تا آن زمان مسئولان سیاسی برای دستیابی به اصلاحات ملموس در وضعیت مصرف‌کنندگان بر ابتکار شخصی متکی هستند.

وضعیت خدمات در اقتصاد شوروی: ابهامی باور نکردنی

خدمات به‌طور کلی از تعریف مبهم برخوردار است، زیرا انفعالی است. تمام فعالیتهایی که در حیطه بخش اول و دوم اقتصاد قرار ندارند، در این بخش جا می‌گیرند. در اتحاد شوروی بر این عدم دقت، ملاحظات مرامی (ایدئولوژیک) را نیز باید اضافه کرد، که بر محمل سازمانی ناسامان بسط یافته، به بخش سوم ابهامی غیر معقول می‌بخشد. در واقع تفسیر تعریف مارکس از کار مولد در دنیای سرمایه‌داری، با عباراتی کم و بیش سهم، به تقسیم اقتصاد شوروی به دو بخش انجامیده است. باری تفکیک فعالیتها به فعالیتهای مولد و غیرمولد که وحدت بخش سوم را از بین می‌برد، جز برای حسابهای ملی معنا ندارد. این تقسیم‌بندی با توزیع مسئولیتهای اداری منطبق نیست و با دستورالعملهای برنامه‌ریزی نیز انطباق ندارد.

تمام شاخه‌های مولد کالاهای مادی و سازمان‌دهندگان توزیع آنها، به بخش مولد تعلق دارند. به این ترتیب، ساختمان و خدماتی نظیر حمل و نقل کالا، تجارت (که رستوران‌داری را هم نظیر ایالات متحده در بر می‌گیرد)، مطبوعات، چاپ و توزیع فرآورده‌های آنها و نیز فعالیتهایی که گرچه محصولاتشان را نمی‌توان مادی تلقی کرد، با این حال در تولید مشارکت دارند (ارتباطات، مراکز محاسبه، مشاوره‌های حقوقی، خدمات بانکی و غیره) در کنار کشاورزی و صنعت رده‌بندی می‌شوند. بر این سیاهه، بخش قابل توجهی از فعالیتها که در چارچوب شاخه "خدمات جاری برای مردم" (به تقریب ۸۰٪ فروش و ۷۵٪ اشتغال در این شاخه) صورت می‌گیرد و به تولید یک فرآورده، ولو در نمونه‌ای منحصر به فرد بنا بر سفارش شخصی (لباس، کفش، مبیل، مسکن) می‌انجامد یا مرمت آن (همه نوع کارهای تعمیراتی از جمله وسایل حمل و نقل شخصی، سمعی و بصری، دستگاههای برقی خانگی، شستشو و نظافت پوشاک و غیره) را نیز باید افزود.

برعکس، برخی از خدمات نظیر حمل و نقل، ارتباطات، بانکها و بیمه‌ها که به خانوارها و تأسیسات بخش غیرمولد ارائه می‌شوند، غیرمولد تلقی می‌شوند، و به این ترتیب این خدمات، به خدمات بزرگ‌جمعی با خصلت اجتماعی یا غیر آن (بهداشت عمومی، حمایت اجتماعی، آموزش، علوم، ورزش، فرهنگ، ادارات از جمله پلیس، سازمانهای حزبی و سازمانهای اجتماعی) اضافه می‌گردند. همین‌طور است خدمات کوناگونی که به خانوارها ارائه می‌شود و نتیجه آن را نمی‌توان مادی تلقی کرد (حمامهای دوش، آرایشگری، اجاره کالاهای مصرفی بادوام، ضد عفونی کردن اثاثه و منازل و غیره).

با این حال، یکسان گرفتن بخش غیرمولد با خدمات قابل ارائه به خانوارها، کار درستی نیست و در این بررسی خدمات قابل ارائه به خانوارها مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع خانوارها فقط مصرف‌کننده (بعکار برنده) بخشی از خدماتی هستند که تحقیقات علمی، دستگاه اجرایی کشور، سازمانهای سیاسی، اجتماعی و سازمانهای حفظ نظم ارائه می‌کنند.

سرانجام باید با علم به افزودن بر ابهام خاطرشان کرد که تحقیقات زمین‌شناسی و اکتشاف منابع زیرزمینی، در زمره خدمات غیرمولد طبقه‌بندی شده است؛ با این استثناء که عملیات اکتشاف و استخراج نفت و گاز در عمق حوزه‌های نفت و گاز طبیعی، از زمره فعالیتهای بخش مولد به شمار آمده است. با علم به ارجحیتی که اتحاد شوروی برای این دو منبع انرژی قابل است، این مثال به تنهایی اثبات می‌کند، که بخشهایی که غیرمولد تلقی می‌شوند به مکان دوم اهمیت تبعید شده و تحت این عنوان منابع محدودی در اختیار آنها قرار می‌گیرد.

فلاکت بزرگ بخش خدمات برای خانوارها

در حالی که کشورهای صنعتی با اقتصاد مبتنی بر بازار، انقلاب بخش سوم خود را به‌انجام رسانده‌اند، اتحاد شوروی در آغاز سالهای دهه ۸۰ به‌تأخیر خود در زمینه خدمات پی برده و در این مورد تصمیم به اجرای برنامه توسعه پرشتایی گرفته است. با این حال اندازه‌گیری این تأخیر کار دشواری است. مقایسه آمارهای دقیق ارزش اضافه و اشتغال در غرب با ارقام بازسازی شده مشابه آن در اتحاد شوروی، با توجه به تقریبها و خطاهای اجتناب‌ناپذیر، بی‌آنکه امکان تحلیل دقیق مسئله را فراهم سازد، حداکثر، به‌کار تعیین مرتبه مقادیر کلان می‌آید (جدول ۱).

جدول ۱. خدمات در اقتصاد: مقایسه اتحاد شوروی / ایالات متحده

ایالات متحده	اتحاد شوروی	
۶۶/۳	(۱) ۴۱/۱	سهام خدمات در کل ارزش افزوده
۷۲/۳	(۲) ۴۲/۸	سهام خدمات در کل اشتغال

(۱) ۱۹۸۰

(۲) ۱۹۸۶

مأخذ: F.Écalle: "La revolution tertiaire aux États-Unis", Notes et études documentaires, numéro 4814, 1986-14, La Documentation Française, Paris; "USSR: measures of economic growth and development 1950-1980" (8/12/1982), Joint Economic Committee, Congress of the United States; Narodnoe Khozjajstvo SSSR v 1986g.

در مورد شاخصهای فیزیکی باید گفت، که استناد به این شاخصها نیز رضایتبخش نیست، زیرا این شاخصها از جهت کیفی بازتاب دهنده واقعیتهای متفاوتی است. به عنوان مثال، اتحاد شوروی از زمره کشورهای است که نسبت تعداد پزشکان آن برای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت، از بهترین نسبتها در سطح جهان است، ولی در عین حال، میزان مرگ و میر کودکان آن چنان بالاست، که پس از باربادوس و امارات متحده عربی، در مرتبه پنجم در جهان قرار دارد. وانگهی بررسی کم توسعه یافتگی خدمات بر حسب مقایسه های بین المللی ضرورتی ندارد. کم توسعه یافتگی (خدمات) در بطن شوروی در واقع خود آشکار است.

جدول ۲. خدمات ارائه شده به خانوارها در ازای پرداخت وجه
(فروش به میلیون روبل ۱۹۸۱)

میلیون روبل	%	
۱۱۰۱۱	۲۲/۲	خدمات جاری از جمله - مولد
۱۸۳۴	۳/۷	دور زندگی و تعمیرات وابسته
۱۱۸۶	۲/۴	تعمیر وسایل سمعی - بصری، وسایل منزل و قفل و کلید
۹۸۳	۲/۰	دوخت کفش بر حسب سفارش و تعمیرات کفش
		- غیر مولد
۹۵۴	۱/۹	آرایشگری
۱۶۳۶۸	۳۳/۰	حمل و نقل
۳۰۲۶	۶/۱	ارتباطات
۹۷۷۲	۱۹/۵	مسکن و خدمات وابسته (۱)
۱۵۳۸	۳/۱	تأسیسات قبل از تحصیل
۱۹۳۴	۳/۹	هنرها و نمایشها
۲۳۸۱	۴/۸	توریسم و سیر و سیاحت
۱۴۹	۰/۳	ورزش
۲۹۸	۰/۶	بهداشت (۲)
۱۸۸۵	۳/۸	ایستگاههای آبهای معدنی
۲۴۸	۰/۵	مشاوره حقوقی و گردانی پس انداز
۱۰۹۱	۲/۲	سایر خدمات
۴۹۶۰۰	۱۰۰/۰	کل

(۱) اجاره و سایر هزینهها

(۲) مشاوره در تأسیسات پزشکی غیر رایگان

جدول ۳. اشتغال در بخش خدمات به خانوارها (هزار شغل معادل اشتغال کامل: %)

۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
۳۸۱۸۲	۳۷۶۲۸	۳۵۲۰۳	۲۷۰۸۸	۱۶۷۰۱	کل اشتغال در بخش خدمات به خانوارها
۲۹/۲	۲۸/۹	۲۸/۰	۲۵/۴	۱۹/۹	سهم آن در جمعیت فعال (صرف نظر از نظامیان)

مأخذ:

A.G. Novickij: Zanjatosti'v sfere obsluzivaniya naselenija, (اشتغال در حیطه خدمات برای جمعیت)

éd. Mysl', Moscou, 1987, p. 44. Narodnoe Khozjajstvo SSSR v...g.

جدول ۴. اشتغال در بخش خدمات برای خانوارها برحسب نوع فعالیت در ۱۹۸۶ (اشتغال معادل تمام وقت)

%	هزار شغل	
۱۳/۱	۴۹۹۳	تجارت
۷/۲	۲۷۳۳	رستوران داری
۱۱/۲	۴۲۷۱	مسکن و خدمات وابسته
۱/۹	۷۲۴	خدمات جاری غیرمولد
۵/۷	۲۱۷۲	خدمات جاری مولد
۱۸/۰	۶۸۸۵	بهداشت عمومی، ورزش و حمایت اجتماعی
۲۶/۵	۱۰۱۱۲	آموزش ملی
۴/۹	۱۸۷۶	هنر و ادبیات
۸/۵	۳۲۵۷	حمل و نقل
۳/۰	۱۱۵۹	ارتباطات
۱۰۰/۰	۳۸۱۸۲	کل

مأخذ: مأخذ جدول ۳

نخستین شاخص کم توسعه یافتگی، تعداد اندک کارکنان بخش خدمات است (جدولهای ۳ و ۴). فعالیتهایی که بنا بر طبیعت خود، مصرف کنندگان قابل توجه نیروی کار هستند، به ترتیب، در سال ۱۹۸۶ مجموعه خدمات برای خانوارها (خارج از بخش دولتی به معنای خاص کلمه) اندکی کمتر از ۳۰ درصد جمعیت فعال را به کار می گرفت و این رقم به رقم شاغلان بخش کشاورزی و جنگلداری (۲۱/۴ درصد) بیشتر نزدیک است تا رقم نظیر صنعت و ساختمان (۳۸ درصد). در مورد ترکیب نیروی کار در بخش خدمات باید گفت، که ویژگی این ترکیب در سلطه بلا منازع زنان (۷۵ درصد اشتغال در فرهنگ ملی، ۸۲ درصد در سازمانهای بهداشت، حمایت اجتماعی و ورزش، ۸۳ درصد در تجارت و هتلداری، در مقایسه با ۵۱٪ در کل اقتصاد) و نیز - که این پدیده ویژگی خاص اتحاد شوروی است - در نسبت بالای اشتغال بازنشستگان پس از سن قانونی ترک فعالیت نهفته است. در حالی که این نسبت برای صنعت ۲ درصد نیروی کار آن را تشکیل می دهد، تعداد این گونه شاغلان در تجارت و رستوران داری در واقع ۴/۲ درصد و در شاخه مسکن و خدمات شهری و سبز خدمات جاری ۸/۳ درصد است.

شاخص دیگر کم توسعه یافتگی، سهم اندک خدمات در بودجه خانوارها، لا اقل بر حسب ارقام و آمار رسمی است. ۱۰/۳ درصد برای خانواده هایی که مسئول خانواده کارگر است و حدود نیم آن (۵/۱ درصد) برای خانواده های کولخوز. در حالی که این نوع خرج در بودجه اغلب خانوارهای مقیم کشورهای صنعتی حدود ۵۰ درصد بودجه را به خود اختصاص می دهد.

مطبوعات بر است از روایات گزینده از عدم کفایت عرضه خدمات بخش رسمی، تا به این ترتیب از شیوه زندگی در اتحاد شوروی تصویری نه چندان تلخ ارائه شود.

اگر چه اصل ارضای نیازهای جمعی، از اولویت برخوردار است، خدمات سازمان یافته در چارچوب این نیازها دچار کمبودهای حاد است. به این ترتیب در حال حاضر، یک سوم کل جمعیت مسکونی از آب جاری و سیستم سراسری کانالهای فاضلاب بی بهره اند. در عین حال که اکثریت ساکنان آن از یخچال و تلویزیون برخوردار بوده و گاه اتومبیل نیز دارند، بسیاری از خانوارها، به خصوص در مناطق روستایی به خاطر فقدان گاز و برق، برای تهیه غذا هنوز از اجاقهای نفتی استفاده می کنند. داشتن تلفن، تجملی واقعی است. در ۱۹۸۶ در شهرها ۲۸ درصد و در روستاها ۹/۲ درصد از خانوارها از چنین امتیازی برخوردار بوده اند. باری اگر چه تعداد قابل توجهی باجه تلفن عمومی وجود دارد، ولی امکان ارتباط بین شهری فقط از طریق تلفنهایی ممکن است که در دفاتر پست مستقر هستند. پایان سال ۱۹۸۷ باید فرا می رسید تا نخستین باجه های تلفن ارتباط بین شهری در خیابانهای مسکو ظاهر می گشت. مسافرت چه برای کار یا استراحت و تفریح خود با مشکلات عدیده همراه است. انتظار برای خرید یک بلیت در ایستگاههای ترن، ساعتها می تواند ادامه یابد و بلیت نیز همیشه فقط برای یک مسیر صادر می شود. به علاوه عدم تکافوی زیر ساختهای هتلداری، در شهرهای بزرگ و به خصوص در مسکو، ایستگاهها را همه شب فی المجلس به سالنهای وسیع خواب تبدیل می کند. چنین است به عنوان مثال ایستگاه کورسک (KURSK) در مسکو، که ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر، شب را در سالنهای

انتظار بر ازدحام آن یا در گوشه‌های در پناه از سرما می‌گذرانند. وضعیت حتی برای مسئولان ایستگاه تا به آن حد غیرقابل تحمل شده است که کوشیده‌اند راه‌حلی ولو موقتی، برای آن بیابند. از اعضای تعاونیهای خصوصی تقاضای کمک شده. تا بوفه‌هایی را دایر کرده و تمام شب باز نگهدارند. در سالن مجاور، نمایش فیلم در سانسهای سینما در هر بیست و چهار ساعت آغاز شده است.

خدمات جمعی با خصلت اجتماعی، با کمبودهای تجهیزاتی روبه‌روست و کارایی چندانی ندارند. به عنوان مثال، بخش عظیم بیمارستانهای مناطق روستایی (با ۱۲۰ تا ۲۵۰ تختخواب) فاقد آب جاری و سیستم سراسری کانالهای فاضلاب هستند. قابل درک است که در چنین اوضاعی، خدمات موجود بسیار ابتدایی خواهد بود. تا سیات قبل از تحصیل نیز آن‌طور که از وضع شیرخوارگاه یکی از حومه‌های مسکو ضمن بازدید ب.التسین (B. Eltsine) دبیر سازمان حزب ناحیه مسکو در آن وقت برمی‌آید، گواهی بر همین کمبود است. در این شیرخوارگاه، کودکان در اتاقهای محروم از گرما، دو به دو، در تختخوابها خوابیده بوده‌اند.

در مورد خدمات جاری رافع نیاز تقاضای شخصی باید گفت، که این خدمات چنان نامطلوب است که مصرف‌کنندگان، اگر بتوانند از آن صرف‌نظر کنند، ترجیحاً "صرف‌نظر می‌کنند". برحسب بررسی مرکز مطالعات افکار عمومی، ۴۵/۷٪ اشخاصی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، هرگز برای شستشوی لباس، به لباسشویی مراجعه نکرده‌اند، ۲۲/۱٪ از خدمات رنگرزی صرف‌نظر کرده‌اند و ۵۰/۴ درصد از آنها عطای مراکز نگاهداری و تعمیرات اتومبیل را به لقایش بخشیده‌اند و سرانجام ۵۵/۵٪ ترجیح داده‌اند خود یک انباری کوچک برای ابزار در انتهای باغچه خود بسازند و غیره.

مصرف‌کنندگان شوروی از سازمانهای رسمی خدماتی گلایه بسیار دارند، که به ترتیب عبارتند از: طول مدت لازم برای ارائه خدمت، کیفیت پایین خدمت ارائه شده، محدود بودن (واقعی یا غیر-واقعی) میدان عمل آنها که خود عذرزد بسیاری از سفارشهاست، کم شدن یا آسیب دیدن اشیای تحویلی، بی‌نزاکتی کارکنان و غیره.

حضور فراگیر اقتصادی موازی

برای جبران کمبودهای بخش رسمی خدمات، اقتصاد موازی در تمام زوایای زندگی جاری حضور دارد. به ویژه آنکه فعالیت خدماتی، به خصوص بیش از تولید فراورده‌های مادی با فعالیت شخصی سازگار است. برحسب محاسبه اقتصاددانان شوروی، بین ۱۷ تا ۱۸ میلیون نفر به صورت پاره‌وقت و غیرمنظم در "بازار سیاه" کارهای کوچکی انجام می‌دهند که خود معادل ۲ میلیون نفر کار تمام وقت و برابر با دوسوم تعداد کسانی است که در هنگامهای دولتی و تعاونیهای خدمات جاری برای مردم کار می‌کنند. این فعالیت رقمی بین ۱۴ تا ۱۶ میلیارد روبل را بین افراد به گردش درمی‌آورد، که از کنترل دولت به هر شکل خارج بوده و معادل یک‌چهارم کل رقم فروش مجموعه بخش خدمات پولی است. وانگهی تردید نیست که ۶۰٪ کارهای نگاهداری و تعمیر اتومبیل در "بازار سیاه" صورت گرفته و کارهای مربوط به کفاشی،

کارهای قسمت پایانی مسکن، تعمیرات دستگاههای سعی بصری برقی در شهرها نیز به ترتیب به میزان ۵۰٪، ۴۳٪ و ۳۰٪ در اختیار این بازار است. در روستا این نسبتها به مراتب بالاتر است: ۸۰ درصد خدمات مصرفی جمعیت را کارگران فعال در شبکه غیرقانونی انجام می دهند. این فهرست، که آن را به دلخواه می توان ادامه داد، به شکلی روشن از اهمیت ویژه امروزی اقتصاد موزاری در پاسخگویی به تقاضای خدمات حکایت می کند.

علل وضعیت موجود

علل متعددی سبب شده است که بخش خدمات تا حال حاضر از مسیر توسعه دور افتد. در واقع تمام اقداماتی که در جهت بهبود سطح زندگی مردم صورت گرفته، بر تولید کالاهای مصرفی متمرکز بوده است. با توجه به اصول سازمان نظام شوروی، برنامه ریزی برای عرضه کالاهای مادی نسبتاً همگن در سطح کلان برحسب نیازها، از برنامه ریزی عرضه خدمات که بنا بر سرشت خود، پاسخگوی تقاضای شخصی است، به مراتب ساده تر است. علاوه بر آن توسعه خدمات بسیار هزینه بر است. بررسیهای انجام شده بر مبنای جدولی بین بخشی، نشان می دهد که برای نیل به سطح معینی از عرضه خدمات پولی و کالاهای مصرفی، باید به بخش خدمات به میزان ۴۰ درصد نیروی انسانی و به مقدار ۷۰٪ سرمایه گذاری بیشتر تخصیص یابد. با توجه به هزینه بالای توسعه خدمات و دشواری ادغام آن در نظام برنامه ریزی شده، خدمات در اقتصادی که کمبود تصمیم یافته در آن به تدوین نظمی در مراتب اولویت تخصیص امکانات تولید انجامیده است، به طور منظم مورد کم توجهی قرار داشته است. بنابراین قابل درک است که قطعی شدن توسعه، حول محور اهداف فوق مرجح صنعتی شدن در بدو امر و کشاورزی و انرژی در مرحله بعد، بخش خدمات را به فقر کشانده باشد.

خدمات در بین بخشهای مولد و غیرمولد محروم است و منابع سرمایه گذاری تخصیص یافته به آنها تحت این عنوان، در حسابهای شوروی مشخص نیست و با در هر صورت انتشار نیافته است. حداکثر آنکه می توان سرمایه گذاریهای مولد و غیرمولد را مقایسه کرد و دریافت که سرمایه گذاری غیرمولد در سالهای ۱۹۶۰-۱۹۸۵ از حداقل رشد برخوردار بوده و سهم نسبی آنها در کل سرمایه گذاری کاهش یافته است (۳/۳۵ درصد در ۱۹۶۰ و ۷/۲۷ درصد در ۱۹۸۵). تعداد اندک بنگاههای خدمات جاری، ۱/۱ بنگاه برای هر هزار نفر و کمبود تجهیزات آنها که در جراید مرتباً "از آن یاد می شود از جمله شواهد عدم توجه کافی به بخش خدمات است. هم به این مناسبت، مطبوعات اخیراً "مراتب تأثیر خود را از این بابت که صنعت ملی قبلی آرایشگری و افزار کفشدوزی تولید نمی کنند و بنابراین برحسب ضرورت (البته با صرفه جوییهای بسیار) وارد می شوند ابراز داشته اند. همچنین است وضعیت بنگاههای تعمیراتی، که برای تهیه قطعات یدکی از واحدهای تولیدی که به تولید عمومی این قطعات در مقادیر ناکافی مشغول اند، با مشکلات حادی مواجه هستند. این مشکلات در مورد دستیابی به اسناد فنی لازم برای راه اندازی برخی فرآورده های نسبتاً پیچیده که از آنها در پی می شود نیز وجود دارد.

وانگهی سرشت فعالیتهای خدماتی که به شدت کاربر هستند، به خصوص نیاز آن به کار کیفی،

به این فعالیتها به علت هزینه بر بودن بالای آنها از جهت نیروی انسانی وضعیت نامساعدی بخشیده است، حال آنکه در کل، عرضه اشتغال هنوز ارضا نشده مانده است. به این ترتیب در فاصله سالهای ۱۹۶۵-۱۹۸۵، در حالی که در کشورهای اقتصاد بازار، کل نیروی کار انتقالی به علت مهاجرت از مناطق روستایی به خدمات روی آورده اند، در اتحاد جماهیر شوروی، بخش خدمات فقط $\frac{2}{3}$ این نیروی کار را جذب کرده و مابقی به صنعت روی آورده اند. به علاوه در سالهای یازدهمین برنامه پنجساله (۱۹۸۱-۱۹۸۵) بخش بزرگ اشتغال (۵۵٪ به تقریب) در شاخه های مادی اقتصاد، ایجاد گشته است.

بخش خدمات نه تنها به علت محروم بودن از منابع، بلکه به خاطر الگو برداری از اشکال سازمانی شایع، که بر تمرکز و تخصصی بودن واحدها استوار است، زبان دیده است.

تعاونیه های کوچک تولیدی، که زیر فشار، از سال ۱۹۲۸ توسط کارگران مستقل شکل گرفته بودند و زمینه فعالیت آنها عمدتاً "عرضه خدمات بود، در پایان سالهای دهه ۱۹۵۰، پس از تحمل سالها ضوابط تضییعی، حذف گردیدند. این تعاونیه ها به تعداد ۵۴۰۰۰ واحد، در لحظات آخر حیات خود ۱/۸ میلیون نفر عضو داشتند و حال آنکه در اوج فعالیت خود در سال ۱۹۴۵، ۲/۶ میلیون نفر را در بر می گرفتند. این سیاست امحایی، در منطق تمرکزگرایی قرار دارد، زیرا هدایت و کنترل بنگاه های بزرگ ساده تر است. این شکل سازمانی، که مناسب فعالیت شاخه های تولیدی است، به علت فقدان هر الگوی دیگر، در بخش خدمات نیز به کار گرفته شد. به این ترتیب در سطح هر جمهوری یک وزارت خدمات جاری برای جمعیت، با مسئولیت اعمال تصدی بر اتحادیه های مهم، رنگری، خیاطی و تعمیرات ذی ربط، ساخت کفش برحسب سفارش و تعمیرات آن، تعمیر دستگاه های برقی خانگی و غیره به وجود آمد. سفارش مصرف کننده در این وزارتخانه در دفتری که به همین مناسبت به وجود آمد، ثبت می گردد و سپس برای اجرا به مراکز خاص انجام سفارشها که مطابق الگوی بنگاه های صنعتی کار می کنند فرستاده می شود. به هر تقدیر، اگر تمرکز و تخصص، تا حدی به افزایش کارایی در صنایع بزرگ یاری رسانده اند در بخش خدمات، این دو جهت گیری اثر واژگونه برجای گذاشته اند، زیرا در این بخش تعانس مستقیم بین ارائه دهنده خدمت و مشتری به دشواری قابل اغماض است.

برنامه های فوری برای بخش خدمات

پی بردن به نتایج زیانبار ناشی از کم توسعه یافتگی خدمات برای خانوارها و تصمیم بر علاج آن به پیش از به قدرت رسیدن آقای گورباچف بار می گردد. ولی ادغام این خدمات در برنامه اقتصادی گورباچف توسط وی، به اعتلای آنها معنا و وسعت بیشتری بخشیده است. در مورد امکانات مورد نظر، یعنی تلفیق کوشش بخش دولتی با ابتکار فردی، به نظر نمی رسد در کوتاه مدت بهبود ملموسی به بار آورد.

در تاریخ اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی، از کارگران شوروی به کرات خواسته شده است (باقول بهبود بعدی سطح زندگی آنان) کوشش اضافی بیشتری مبذول دارند. ولی این استراتژی هرگز به آغاز عمل نیز نرسیده است. امروزه، "داو" بسیار قابل توجه تر است، زیرا ایجاد پایه اجتماعی برای پروژه

عظیم اصلاحات اقتصادی و اجتماعی هیئت رهبری مطرح است و تحقق آن هرچه دشوارتر، زیرا منظور جلب اعتماد مردمی است که امیدهایشان به کرات به ناامیدی انجامیده است. بنابراین لازم است که این بار، در کوتاهترین مهلت ممکن، دلایل عینی تغییر به این جمعیت ارائه شود.

افزایش دستمزدها و جوایز، اگر امکان تحصیل مقادیر بیشتر کالا و خدمات را فراهم نسازد، دیگر کافی تلقی نمی شود. دیگر یک فرد شوروی فقط کارگر نیست، بلکه از این پس از زاویه مصرف کننده نیز مطرح است. به این ترتیب تئوری "نیازهای معقول" که بر مبنای هنجارهای عقلانی مصرف، در دوره برژنف تدوین یافته است، دفن گردیده است. برعکس، امروزه تنوع سلیقه و ذوق مشروع تلقی می شود و مصرف استاندارد شده طرد می گردد. برای مصرف کننده، حق انتخاب و مدعی بودن پذیرفته می شود.

این فلسفه جدید شیوه های ارضاء، نیازهای تازه ای را ایجاد می کند. در این چشم انداز دیگر نگاههای بزرگ تولید انبوه کالاها و خدمات به تنهایی صلاحیت پاسخگویی به تقاضا را در اختیار ندارند؛ در کنار آن فضایی باز شده و بخش خصوصی قانونی مترصد اشغال آن است.

در واقع کوششی که از تدارک کنندگان خدمات طلب می شود کاملاً "قابل توجه است، زیرا بر حسب طرح بودجه عقلانی، که مؤسسه اقتصادی Gosplan آن را تهیه کرده است، مبالغی را که خانوارها، به خدمات، از حال تا پایان قرن تخصیص خواهند داد باید سه برابر گردد. از این رو سهم نسبی فراورده های غذایی و محصولات کارخانه های در هزینه های پولی جمعیت به تدریج از ۸۰ درصد به ۵۰ درصد سهم خواهد رسید و به موازات آن سهم نسبی مسکن، بهداشت و خدمات پولی به تناسب عکس افزایش خواهد یافت.

در سپتامبر ۱۹۸۳، آن گاه که آندروپف دبیر کل حزب بود، دفتر سیاسی مصمم به تدوین برنامه ای برای توسعه کالاهای مصرفی و خدمات شد، ولی در سال مهلت لازم بود تا متن نهایی آن تهیه گردد؛ متنی که در سپتامبر ۱۹۸۵ برای تصمیم گیری در اختیار کمیته مرکزی حزب کمونیست و شورای وزیران اتحاد شوروی گذارده شده بر حول محور این متن که در حکم چارچوب عمومی یک سیاست تلقی می شود. تدابیر دیگری اعم از تدقیقی یا تکمیلی اتخاذ شده است، و حال آنکه در یکی از جمهوریهای بالت (استونی، لتونی، لیتوانی)، تجربیات بدیعی در جریان است، که گرچه در کارا بودنشان تردیدی وجود ندارد قادر نیستند بقیه کشور را تحت تأثیر قرار دهند.^۱

برنامه جامع توسعه کالاهای مصرفی و بخش خدمات از ۱۹۸۶ تا سال ۲۰۰۰
این متن به شیوه ای کاملاً "غیر معمول برای اتحاد شوروی، می کوشد با بررسی توأمان فراورده های مادی و فعالیت های خدماتی، در زمینه برنامه ریزی، برداشتی کلی از سطح زندگی ارائه دهد تا تمامی اقدامات

۱. بخشی که به تجربه استونی تخصیص یافته در اینجا نیامده است.

و فعالیتهای در دست اجرا در این زمینه هماهنگ گردد. وانگهی تصویب این متن از نظر زمانی با آغاز مبارزه علیه الکلیسم منطبق شده و در حکم جایگزینی برای آن است. زیرا باید برای مصرفکنندگان جاذبههای دیگری ایجاد کرده و بهخصوص فرصتهای دیگری برای خرج پول بهوجود آورد.

این متن نهایی شده که در سمت گیریهای اصولی توسعه در سالهای ۱۹۸۶-۲۰۰۰ گنجانیده شده است هدفهای حداقلی را تعقیب می کند که در جهت افزایش، در برنامه های پنجساله و سالانه قابل تجدیدنظر است. از هم اکنون تا سال ۲۰۰۰ عرضه خدمات پولی به خانوارها باید از ۱۱۰ به ۱۳۰٪ افزایش یابد و از این افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصد در برنامه پنجساله دوازدهم (۱۹۸۶-۱۹۹۰) صورت خواهد گرفت و حال آنکه افزایش نظیر کالاهای مصرفی در مقاطع یاد شده، به ترتیب از ۸۰ به ۹۰٪ و ۳۰٪ خواهد بود.

با چنین افزایشهایی، عرضه خدمات باید به تدریج پاسخگوی بهتر تقاضا گردد، با وجود این، در مورد غالب خدمات باید گفت (حتی ضروریترین آنها) که عرضه، پیش از سال ۲۰۰۰ نخواهد توانست به طور کامل پاسخگوی تقاضا گردد و آن را برآورده سازد. چنین است برای مثال، تجهیزات تلفنی خانوارهای شهری، پیوستن تمام شهرها به شبکه سراسری آب جاری و سیستم سراسری کانالهای فاضلاب، رساندن گاز و برق به تمام ساختمانهای مسکونی. با این حال برای خدماتی نظیر تعمیرات وسایل سعی بصری، دستگاههای برقی خانگی، مبل و قسمت اعظم نگهداری و تعمیر اتومبیلهای شخصی (حدود ۴۰ اتومبیل برای هزار نفر) این زمان کوتاهتر است. زیرا برای این خدمات نیاز مصرفکنندگان تا سال ۱۹۹۰ به طور کامل برآورده خواهد شد.

صرف نظر از این اهداف کمی، برای بخش خدمات دستورالعملهایی نیز صادر شده تا عرضه خدمات با نیازهای جمعیت انطباق پذیری بهتری پیدا کند، از این قبیل است: بهبود کیفیت خدمات، رفع اختلاف بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و مادرشهرهای بزرگ، مناطق مختلف کشور و نیز بررسی دوباره ای در محل استقرار بنگاههای مولد خدمت به منظور نزدیک کردن آنها به مکانهای زندگی و فعالیت. از این دیدگاه، عدم تمرکز که در بطن چارچوب پرسترویکا قرار دارد به مقامات و مسئولان محلی و به خصوص به شوراهای محلی، در زمینه خدمات، و سایر امور مربوط به ارضای تقاضای جمعیت اختیارات وسیعی تفویض می کند. از این قبیل است: بررسی دقیق نیازها و سازمان دادن فعالیتهای خدماتی برحسب اوضاع خاص هر ناحیه، تصمیم در مورد ایجاد بنگاههای تازه ارائه دهنده خدمات با توسعه بنگاههای موجود. تأمین مالی تمام زیرساختهای مربوط به وسایل ارتباطات و تجهیزات اجتماعی و فرهنگی در خدمت جمعیت هر منطقه به طور مستقل، و سرانجام بنگاههای خدماتی در قیومیت اداری مقامات محلی قرار گرفته و برای هماهنگی در اجرای تصمیمات متخذه در سطح فدرال، امکانات لازم در اختیارشان قرار می گیرد.

با این حال این برنامه بیش از هر چیز به فهرست تدابیر و ضوابطی می ماند که به دشواری

چگونگی اجرای آنها قابل درک است. در واقع هیچ اشاره‌ای و نشانه‌ای از میزان سرمایه‌گذاری که در این زمینه به عمل خواهد آمد نگشته است. باری، اولویت‌های برنامه پنج‌ساله به‌خوبی مشخص است. این اولویت‌ها به کشاورزی و انرژی داده شده و نوکردن دستگاه تولیدی نیز از این پس به آن اضافه می‌شود. البته این متن با تدابیر قابل ملاحظه‌ای همراه است، که اگر بناست از حیث سرمایه‌گذاری چندان هزینه بر نباشند، باید در صورت تحقق، اصلاحات درخور توجهی در بخش خدمات به‌وجود آورند...

تدابیر جنسی

همان‌طور که در سالهای دهه ۱۹۷۰ مقرر شده بود که صنایع سنگین و از جمله صنایع نظامی مکلف به تولید محصولات مصرفی هستند. همان‌طور نیز فرمان ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۵ شورای وزیران، تمام دستگاهها و سازمانهای کشاورزی، صنعتی، ساختمانی و حمل و نقل را به ارائه خدمات به کارکنان خود و خانوارهای مستقر در همسایگی آنها، علاوه بر انجام فعالیت‌های اصلی خود دعوت می‌کند. از این قبیل‌اند: توزیع وسایل خانگی، نگهداری و تعمیر وسایل نقلیه، ساخت توقفگاه اتومبیل برای مالکیت‌های مشترک، کارهای بنایی برای انجمن گلکاران، فعالان حمل و نقل و فعالیت‌های اوقات فراغت. برای این اقدامات از طرف Gosstab (کمیته دولتی مصالح و فنون - م) منابع در اختیارشان قرار داده می‌شود و بانکها نیز برای کمک به آنها در تطبیق بخشی از ظرفیتشان به این فعالیت تازه، اعصارات در اختیارشان قرار می‌دهند.

تصمیم دیگری که شورای وزیران در سپتامبر ۱۹۸۶ اتخاذ کرده است، بخش توزیع برخی از فرآورده‌ها را تجدید سازمان می‌دهد و آن را برعهده تولیدکنندگان می‌گذارد و البته از وزیران خدمات جاری جمهوریها در این مورد کاملاً "رفع مسئولیت نمی‌کند". به عنوان مثال، وزارت صنایع ماشین‌آلات، برای صنایع سبک، صنایع غذایی و وسایل خانگی، توزیع یخچال و فریزر، ماشین رختشویی، چسرخ خیاطی و ماشین بافندگی؛ وزارت صنعت اتومبیل توزیع موتور، دوچرخه موتوردار و دوچرخه؛ وزارت الکترونیک توزیع جاروبرقی، تأسیسات تهویه هوا و تلویزیون و غیره را باید برعهده گیرند. در مورد اخیر (تلویزیون) که نقص فنی به‌خصوص بسیار اتفاق می‌افتد (۳۰٪ از تلویزیون‌ها در نخستین سال کار خود به تعمیر نیازمند هستند و بیش از دو هزار دستگاه از بین آنها همه‌ساله فقط در مسکواز درون منفجر می‌شوند!) استقرار زنجیره "شبه خدماتی" پیش‌بینی شده و در سال ۱۹۸۷، در ۴۰ شهر مراکزی از آن گشایش یافته است. تعداد این مراکز در حول و حوش سال ۱۹۹۰ به ۱۵۹ واحد خواهد رسید و ۲۰۰۰ شعبه در اختیار خواهند داشت. این مراکز دو وظیفه برعهده دارند: از طرفی در یافت تلویزیون در خروج از کارخانه، فروش و نصب آن در منزل خریدار؛ از طرف دیگر تأمین سرویس پس از فروش در موعد اعتبار ضمانتنامه دستگاه و زمان پس از آن؛ و افزون بر آن، تحویل موقت یک دستگاه تلویزیون دیگر در طول مدت تعمیر تلویزیون مشتری. در اینجا "شبه خدماتی" نقشی اساسی ایفا می‌کند. در واقع دیگر وزارتخانه‌های دی‌ربط باید بر مبنای این الگو، خدمات پس از فروش خود را در سالهای ۱۹۸۷-۱۹۹۰ سازمان بخشند. در عین حال ادارات ذی‌صلاح در نحوه و چگونگی معاوضه کالاهای آسیب‌دیده طی دوره اعتبار ضمانتنامه، نگارش دستورالعمل تازه‌ای را آغاز کرده‌اند، که در جهت تسهیل متونی است، که تا آن زمان مبنای عمل خواهد بود.

همزمان با تصمیم ۱۹۸۳ در تدوین برنامه جامع توسعه کالاهای مصرفی و بخش خدمات، ضوابط جدید مدیریت نیز برای ترعیب بنگاهها در پاسخگویی بهتر به تقاضاهای معطوف به خود مدون شد. "تجربه گسترده" در یکی از فرمانهای ژوئیه ۱۹۸۳ تعریف شده است و در واقع در مورد بنگاههای خدمات جاری هشت بخش اداری جمهوری روسیه مورد آزمون قرار گرفته است. این بنگاهها از تاریخ اول ژوئیه ۱۹۸۴ مکلف به اجرای شاخص برنامه ریزی شده و واحد حجم فروش خدمات خود شدند. در حالی که هنجارهای ثابتی، برای پنج سال، بخشی از سود را که به ارگانهای بالاتر باید پرداخت می شد تعیین کرده و مابقی سود برای تأمین وجوه لازم سرمایه گذاری و تشویق مادی کارگران به کار می رفت. وانگهی همان طور که در صنعت عمل می شود، پاداش پرسنل کادر در ارتباط مستقیم با میزان فروش قرار دارد و در صورت عدم حصول نتیجه مورد نظر برنامه، کاهش یاب می گردد. در داخل بنگاهها، کارگران برحسب الگوی اشکال موجود در صنعت سازمان می یابند و در چارچوب آن مستقلاً "در مورد توزیع دستمزد و جوایز برحسب سهم و کمک هریک از اعضا در انجام وظیفه جمعی تصمیم می گیرند. این تجربه موثر بودن این شیوه را به سرعت، البته در اوضاعی اندک غیر متعارف اثبات کرد. زیرا بنگاههای ذی نفع از بخشودگی بدهی و افزایش تنخواه گردان و ارجحیت در تأمین تدارکات سود جسته بودند. به این ترتیب، تجربه از روز اول ژانویه ۱۹۸۶ به مجموعه بخش خدمات جاری برای جمعیت، تعمیم یافت و حال آنکه بنگاههای وزارت جمهوری بیلوروسی به مرحله نظام مدیریت عالیتری، مبتنی بر اصول استقلال حسابداری جامع و خود تأمین مالی گام می گذارند. این قواعد باید به تدریج به سایر وزارتها تسری یابد و تا سال ۱۹۸۹ تمام اقتصاد را دربرگیرد.

اگر چه تصمیمات مختلف درباره توسعه بخش خدمات در مورد چگونگی تجهیز سرمایه گذاری صراحت چندانی ندارد، در مورد مسائل مربوط به اشتغال غیر از آن است. برحسب نظر متخصصان، اجرای برنامه های مورد نظر مستلزم این است که از حال تا سال ۲۰۰۰، تعداد کارکنان بخش خدمات، نسبت به ۱۹۷۵، حداقل ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش یابد. البته پیش بینی می شود که در شاخه های تولید مادی از حجم نیروی کار به میزان وسیعی کاسته شود، زیرا بهبود دستاوردهای بهره وری به کاهش شمار کارکنان در شاخه های یاد شده از ۱۳ تا ۱۹ میلیون نفر (۱۳ تا ۲۰ درصد) خواهد انجامید و این تعداد باید منطقیاً در فعالیتهای خدماتی به کار گرفته شوند. به هر صورت موفقیت چنین برنامه های مستلزم آموزش حرفه ای در حد میلیونها شکل مورد نظر است. از حال تا آن موقع به مقدمات ممکن متوسل می شوند. بنگاههای خدماتی به کارکنان خود پیشنهاد می کنند چندین وظیفه را تقبل کرده و ساعات اضافی را به خصوص در دوران شدت فعالیتها، کار کنند یا با غیر کارکنان (بازنشستگان، زنان خانه دار، دانشجویان و مفلولان) قرارداد استخدام پاره وقت بسته یا انجام خدماتی را در منزل به آنها محول می کنند (دوخت و دوز لباس و دوختن کفش برحسب سفارش، تعمیر وسایل برقی منزل، شستشوی لباس و غیره).

می ماند مسئله توسل به خارج برای حمایت از کوشش توسعه خدمات. این مسئله در برنامه جامع توسعه کالاهای مصرفی و عرصه خدمات فقط در چارچوب همکاری با کشورهای عضو شورای همیاری متقابل اقتصادی بررسی شده، بیشترین سهم را به کالاهای مصرفی داده و مقوله خدمات را به طور بسیار خلاصه

مطرح می‌کند. در مورد توسل به تکنولوژیهای غربی این نکته قابل ذکر است که این استعانت نمی‌تواند طول و عرض بسیار داشته‌باشد. زیرا اولویتهای دیگری مطرح است. با وجود این از ۲۹ شرکت مختلط مطروحه در پایان ژانویه ۱۹۸۷ پنج شرکت به بخش خدمات اختصاص داده می‌شود و پروژه‌های رستوران‌داری در آنها فعالیت‌های مسلطند.^۱

گسترش بخش خصوصی قانونی، داروی هر درد؟

قانون ناظر بر اعمال فعالیت‌های شخصی اقتصادی مصوب ۱۹۸۶ که از اول ماه مه ۱۹۸۷ به مرحله اجرا گذارده شده و با تصویب قوانین - الگوی تعاونیهای تولید کالاهای مصرفی، خدمات و رستوران‌داری در فوریه ۱۹۸۷ تکمیل شده است. فضای وسیعی بر بخش خصوصی قانونی می‌گشاید. این بخش در پایان ۱۹۸۵ زندگی بخور و نمیر ۸۴۰۰۰ کارگر مستقل - ثبت شده - را که فقط ۵/۰۱٪ محصول مادی خالص را تولید می‌کرده‌اند تأمین می‌کرده است. اگر این ترتیبات تازه با چنین سرعتی به تصویب رسید و حتی می‌توان گفت با برخی تقایص - آن‌طور که از اصلاحیه‌های بعدی برمی‌آید - به این خاطر است که مسئولان مرکزی به آن امیدها بسته‌اند؛ امید به آنکه، اقتصاد موازی را که هرروز جنبه تهاجمی بیشتری به خود می‌گیرد و هیئت اجتماع را به تهاجمی کشیده و جمع را فاسد می‌سازد مستحیل کند، کمبود عرضه کالاهای مصرفی و به خصوص خدمات را توسط دولت، ضمن تجدید سازمان تأمین‌کرده و سپس آن را در جهت ارضای تقاضای نیازهای خاصتر یاری رسانند.

اگرچه قانون از حدود ۳۰ حرفه گوناگون در زمینه تولید کارگاهی، خدمات جاری و "فضای اجتماعی - فرهنگی" مشخصاً نام برده و فقط آنها را در حیطه عمل بخش خصوصی قرار داده است، پس از چند ماه، در مقابل خلاقیت ذهنی "کاندیداها"، به ناچار پذیرفت که انجام هر فعالیت مشروط بر آنکه صراحتاً منع نشده باشد، کاملاً قانونی است. از این رو، از این پس، ممنوعیت در زمینه خدمات مانعی به شمار نمی‌رود، مگر در مواردی، نظیر دایر کردن قمارخانه و حمام، تصدی برخی فعالیت‌های پزشکی، نظیر مامایی و جراحی و آموزش موادی که در برنامه آموزش ملی پیش‌بینی نگشته است (ظاهراً اشاره به یادگیری زبان عبری است). اگرچه در تصدی فعالیت خصوصی، ارجحیت به اشخاص غیرفعال داده شده است (بازنشستگان، زنان خانه‌دار، دانشجویان و معلولان) ولی کارگران بخش اجتماعی شده نیز منع نگشته‌اند. خواه به این دلیل که علاقمند به فعالیت ثانوی در ساعات

۱. به این شرح:

- چهار رستوران Pizza-Hut (ایالات متحده)؛

- رستوران غذاهای هندی (هندوستان)؛

- نوسازی و گردانی هتل "برلین" در مسکو موسوم به "Savoy" (فنلاند)؛

- انتشار مجله "زنانه" Burda-Moden "چاپخانه" در دست ساختمان در Seremet'evو

که در ۱۹۹۰ فعالیت خود را آغاز خواهد کرد؛ و

- مغازه فراورده‌های غذایی و شراب در مسکو (پرتغال)

فراغت خود هستند، خواه به این مناسبت که از نگاه خود کناره گرفته و مصمم شده‌اند، خود را تماما "وقف بخش خصوصی سازند". از این زمان به بعد، این عده موظف‌اند، حقی معادل آنچه کارفرمایان می‌پردازند، یعنی به میزان ۹٪ حقوق، به‌عنوان حق اجتماعی بپردازند. در واقع، طرح موردنظر قانونگذار تحقق نیافته است؛ تعاونیها دیگر به میزان ۲۵٪ بازنشسته و خانه‌دار را به‌کار نمی‌گیرند؛ بر عکس ۶۵ درصد اعضای آنها را مزدگیرانی تشکیل می‌دهند که در این چارچوب وقت آزاد خود را به‌کار می‌زنند.

داوطلبان تصدی هر فعالیت خصوصی یکی از دو صورت سازماندهی را می‌توانند برگزینند: بدون امکان استخدام فردی، جز اعضای خانواده خود، به حساب خود وارد فعالیت شوند، یا تعاونی تأسیس نمایند. به‌علاوه این تعاونیها، در بخش رستوران‌داری مجاز هستند از بخش دولتی یا تعاونیهای مصرف، تأسیسات زیانده را "بازخرید" نمایند. چنین فرمولی طرفدار بسیار پیدا کرده است؛ در واقع در مورد ۸۵ درصد تعاونیهای رستوران‌داری تأسیس‌شده در جمهوری روسیه، ۷۲ درصد تعاونیهای مستقر در قزاقستان، ۸۳ درصد تعاونیهای مولداوی و غیره چنین فرمولی اعمال می‌شود.

روشن است که مقامات از تعاونیها حمایت می‌کنند، زیرا این صورت، شکل مقبول و معمول مالکیت از آغاز قدرت شوروی بوده و از حیث سیاسی بیش از کسب و کار کوچک فردی، که هنوز گروهی به آن برحسب سرمایه‌داری می‌زنند، پذیرفتنی است. اثر این ازجحیت را به‌روشنی در زمینه مالی می‌توان دید: درحالی که به کارگر مستقل مالیات سنگینی تعلق می‌گیرد، اسم از آنکه مشمول مالیات علی‌الرأس باشد، که برحسب جمهوری مبلغ آن متفاوت است (به‌عنوان مثال، یک راننده تاکسی خصوصی در قزاقستان ۴۵۰ روبل، در روسیه ۵۶۰ روبل و در لتونی ۱۵۰۰ روبل می‌پردازد) یا برحسب درآمد اعلان شده‌اش بر او مالیات وضع شود (۶۵٪ درآمد بیش از ۵۰۰ روبل در ماه)، تعاونی از سلوک مناسبتری برخوردار است، تعاونیها ۱۰٪ سود را پس از برخورداری عالیاتی در بعضی زمینه‌ها، به عنوان مالیات می‌پردازند و حال آنکه کولخورها و تعاونیهای مصرف و بخش ساختمان ۳۵٪ می‌پردازند.

در حالی که مقامات بر پیوستن انبوه و سریع مردم به بخش خصوصی قانونی حساب می‌کردند، تعداد کسانی که شش ماه پس از اجرای قانون نامنویسی کردند به حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر می‌رسید که از این میان ۲۰۶۰۰۰۰ نفر کارگران مستقل (حدود ۱۰۹۰۰۰۰ نفر در حرفه‌ها، ۶۴۰۰۰۰ نفر در خدمات و ۲۵۰۰۰۰ تن در مشاغل پزشکی و پارا-پزشکی) و ۹۰۰۰۰ تعاونی با ۹۰۰۰۰ عضو بود؛ این تعاونیها ۵۴/۵ درصد از کالاها و خدمات فروخته شده به جمعیت را تأمین می‌نمودند. این ارقام با رقم دو میلیون شغل تمام وقت که در "بازار سیاه" به ارائه خدمات مشغول‌اند فاصله بسیار دارد و موهبید این مطلب است که قانونی کردن اقتصاد موازی، به این زودیها تحقق نمی‌پذیرد. در واقع چنین می‌نماید که کسانی که به عنوان کارگران مستقل یا بنیانگذاران تعاونی نامنویسی کرده‌اند، یا هرگز سر و کاری با اقتصاد موازی نداشته‌اند یا از ترس سرکوب، در پی پیراستن درآمدهایی بوده‌اند که در گذشته از راه غیرقانونی به دست آورده بودند، دلایل متعدد دیگری کارگران "بازار سیاه" و سایرین را از بخش خصوصی قانونی منحرف می‌سازد.

وانگهی برخی از خدمات که مشتریان خاص پرو با قرصی دارند، قانوناً "منوع است" (ساخت و فروش سلاح، مواد مخدر، اشیای خلاف عفت و غیره). در بدو امر، بوروکراسی که در سطح محلی همواره حاضر و ناظر است، در راه ابتکار خصوصی مانع ایجاد می‌کند و در ایجاد مقاومت در برابر فرمانهای مرکزی، از جانب گروههای فشار تجاری و خدماتی، که از اقتصاد موازی به شکلی غیر شرافتمندانه سودهای کلان به‌یغما برده‌اند حمایت می‌شوند و همچنین مورد حمایت بخشی از افکار عمومی قرار دارند که با توجه به اصول قناعت و برابری که سالهای دراز در رأس نظام ارزشی سوسیالیستی قرار داشته، هر کوششی در راه تنگنای فردی ثروت را هر قدر کوچک، حقیر می‌شمارند. علاوه بر آن، کارگران، مستقلان و تعاونیها هنوز نیز مرهون آن نظام تدارکاتی‌اند که سلسله مراتب ارجحیت و کمبودها هنوز بر آن حاکم است. هنوز این با آن فرد باید مکان مورد نظر، یا ابزار و آلات و مواد اولیه را که اغلب به صورت آزاد در خرده‌فروشی ارائه نمی‌شود از بنگاههای دولتی ملتسانه تقاضا کنند و می‌توان تصور کرد که بنگاهها که خود با مشکلات تدارکاتی آشنا هستند، در اغلب این موارد، این درخواستها را اجابت نمی‌کنند. در چنین اوضاع دیگر نباید حیرت کرد که در استونی که امکان انتخاب تصدی فعالیتی آزاد برای علاقه‌مندان این فعالیت وجود دارد، در اغلب موارد قرارداد انجام کار با بنگاههای دولتی که تدارکات آن تضمین شده است ارجح دانسته می‌شود و رعیت به بنگاه خصوصی به معنای دقیق کلمه کمتر است.

وانگهی تصمیم گسترش بخش خصوصی قانونی بر اساس اعتماد متقابل گرفته نشده است. قانون نوامبر ۱۹۸۶ از کارگران مستقل در مقابل مداخلات بی‌موقع دستگاه اداری هیچ حمایتی نمی‌کند. باری، با توجه به تجربیات گذشته چنین "اهمالی" نمی‌تواند به انگیزش نگرانیهای واقعی نینجامد و این خود باعث می‌شود که اکثریت اتباع شوروی به حفظ دارایی - ولو مختصر - خود بیشتر دل‌بندند تا تعهد در اقدامی درازمدت بدون تضمینهای معتبر. و سرانجام قانونی کردن فعالیتهای کارگر "بازار سیاه" هیچ گونه نفی برای وی ندارد، زیرا او می‌داند که از کجا، چگونه، از راههای غیرقانونی وسایل تولید را به دست آورد. وی شبکه مشتریان خود را دارد و به قدرت مطمح نظر و هدف ارگانهای حفظ نظم قرار می‌گیرد. در این مورد، ربرنازی که روزنامه‌های از رانندگان تاکسی "بازار سیاه" مسکو تهیه کرده، بسیار آموزنده است. رانندگان در پاسخ به روزنامه‌نگار ترد (Trud) بدون ابهام پاسخ داده‌اند که ضرورتی نمی‌بینند همه‌ماهه مالیات علی‌الرأسی به میزان ۵۶۰ روبل بپردازند و حال آنکه هرگز مزاحمتی از جانب پلیس متوجه آنها نشده است.

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که امید بستن به بخش خصوصی قانونی در زمینه بسط خدمات آن اندازه که از قبل فکر می‌شد، پرشمار نباشد. در واقع در اینجا نیز یکبار دیگر و با وضوح بیشتر روشن شد که صرف اراده و خواست سیاسی برای متقاعد کردن جمعیت در مورد پروژه‌های که تازگی آن، او را می‌رماند با توجه به سابقه امر و گذشته در او بدگمانی می‌انگیزد کفایت نمی‌کند.



اگر چه تردید نیست که رهبران کرملیس، تأخیر شوروی نسبت به جوامع مصرفی غربی را جدی تلقی کرده‌اند، با وجود این راه‌حلهای پیشنهادی برای حل سریع مسئله مناسب به نظر نمی‌رسد. از طرفی توسل به بخش خصوصی برای بهبود کیفیت زندگی اتباع شوروی، بدون انتظار نظم بخشیدن به بخش خدمات دولتی، نباید به امیدهای مسئولان پاسخ مناسبی دهد. بنابراین دلایل متعددی که خاص اتحاد شوروی است و در هیچ‌یک از کشورهای اروپای شرقی و چین با چنین حدسی تأثیر نکرده است، حرکت در این جهت کند و مشکل می‌نماید. از طرف دیگر، چشم‌اندازهای بخش دولتی خدمات که گزینشهای بودجه‌ای سالهای ۱۹۸۶-۱۹۹۰ به آن اهمیت لازم را نمی‌دهد تقریباً "به‌طور کامل بر تجدید سازمان بخش دولتی خدمات با تمامی مسائل وابسته به آن استوار است که خود به مسائل ناشی از اجرای پرسترویکا اضافه می‌گردد. فرایند عدم تمرکز، که جایگزینی واحدهای بزرگ‌ارائه دهنده خدمات را با بنگاههای کوچک مناسبتر برای پاسخگویی تقاضا و آزادسازی این بنگاهها از قیدامپراتوری برنامه‌ریزی بسیار متحجر را مطمح نظر قرار می‌دهد، حتی پیش از آنکه تصمیم اتخاذ شود با مخالفت‌های حاد دستگاه اداری مواجه است. وانگهی اصلاحات بدون تنوع بیشتر ناکامل خواهد بود. چگونه می‌توان افزایش قیمت‌ها را بدون افزایش قابل توجه عرضه خدمات و بهبود قابل ملاحظه کیفیت آنها به جمعیت قبولاند؟ و سرانجام "بازسازی" در بخش خدمات وسیعاً "مرهون بازسازی در سایر زمینه‌های اقتصادی است. در عین حال، تردید نیست که تجهیز اجتماعی بر حول محور پروژه‌های اصلاحات گورباچفسی بدون مبارزای رفاهی و کیفی زندگی محلی نیست.

پرسش این است که این حرکت، منحصر در دوری باطل چگونه راه خود را باز خواهد کرد؟ □



مدیریت، مدیران و انقلاب

نویسندگان: جیمز ای. آستین
جان سی. ایکیس

مترجم: علی میرزائی

چاپ سوم